



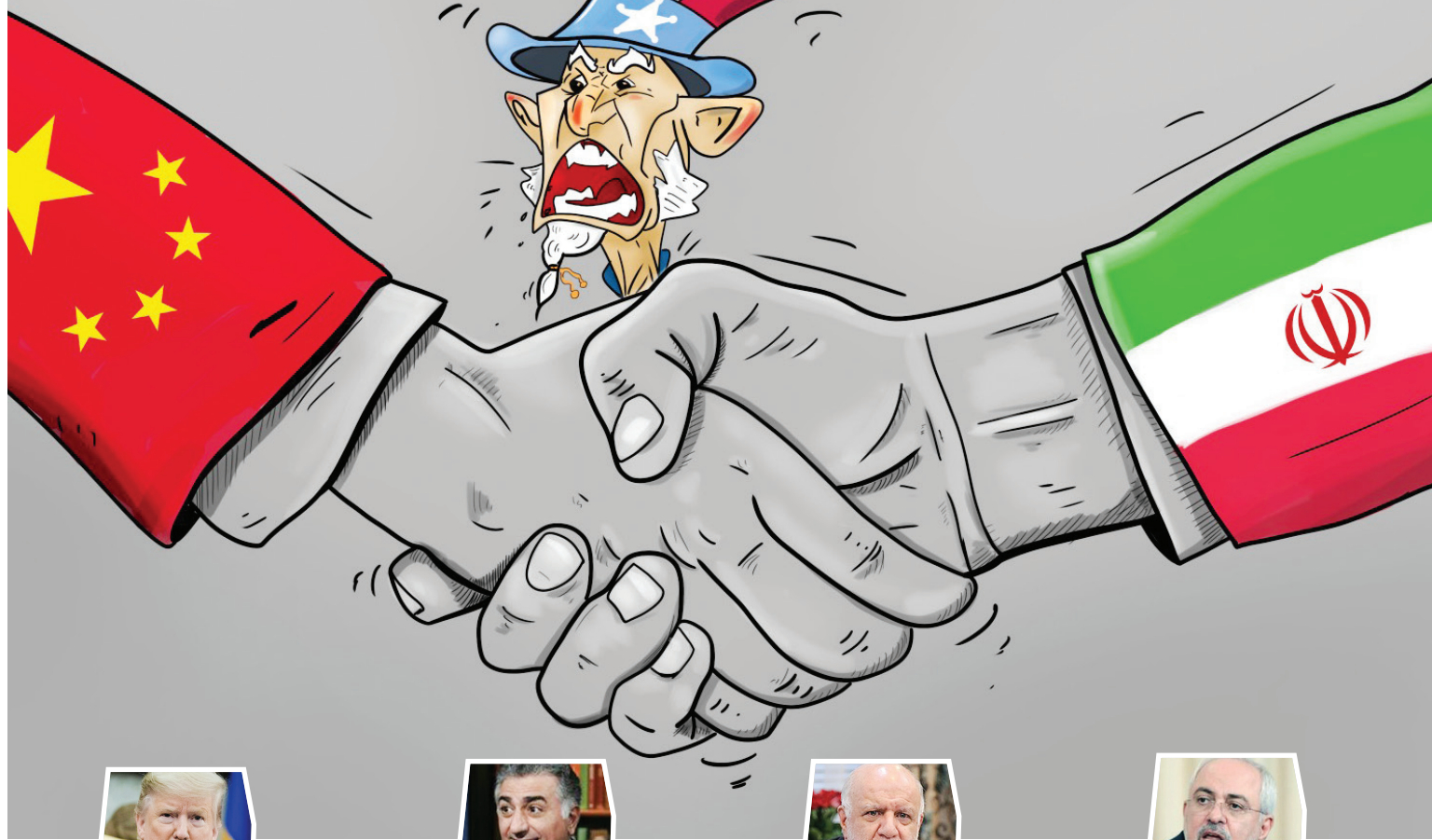
برجام زده از ریسمان سیاه و سفید می ترسه

لنگ لعنتی کامبیز

چنگیز همین طور که خودش را باد می زد گفت: داداش گرمه‌ها! کامبیز که روزنامه دستش بود گفت: میگن مملکتو فروختن به چین. چنگیز گفت: عرق داره میره تو چشمم! کامبیز گفت: دوباره شروع کردی؟ چنگیز گفت: آخه این لنگ لعنتی چیه که نمبازی برش دارم صورتو پاک کنم؟ کامبیز نگاهی به لنگ انداخت که روی قاب عکس انداخته شده بود و چیزی نگفت. چنگیز با عصبانیت زیر لبی چیزی زمزمه کرد. کامبیز با قدری گفت: چی گفتی؟ چنگیز با عصبانیت جواب داد: گفتم بسوززه پدر اعتیاد و بی پولی، اگر نه... کامبیز گفت: اگر نه چی؟ چنگیز دیگر کفری شد و مثل گربه پرید بالا و لنگ را از روی قاب عکس برداشت، هر دو خشکشان زد. داخل قاب عکس، کامبیز نشسته بود توی یک ماشین مدل بالا. یک دستش اسکناس هزار تومانی گرفته بود و یک دستش دلار. چنگیز گفت: چقد عوض شدی داداش؟ ماشین مال خودت بود؟ الان کجاس؟ کامبیز روزنامه را انداخت روی میز و با بی حوصلگی، آه کشید. چنگیز یک دفعه چهره‌اش عوض شد، رعشه ریزی به جانش افتاد و با بغض گفت: تو هم منو نشناختی داداش؟ کامبیز گفت: مگه تو غیر از به مفتحی زبقی چیز دیگه‌ای هم هستی؟ چنگیز همین طور که سرش را به نشانه تایید تکان می داد، دست برد توی جیب پیراهن چرک و بزرگش و یک عکس درآورد و جلوی صورت کامبیز گرفت، عکس یک جوان گولاح بود که تیشرت پرچم آمریکا پوشیده بود. کامبیز، بی تفاوت یک سیگار از کشوی میزش درآورد و گفت: ولی مملکتو دارن می فروشن به چین.

زیبا کلام: دلیل حساسیت به قرارداد با چین، بی اعتمادی به پکن است

امضای وانگ‌پی تضمین نیست!



ترامپ: اگه قرارداد با پکن خواستید در خدمتم



ربع پهلوی: هر گونه قرارداد تجاری با چین، خیانت به فروش بحرن توسط پدر عزیزم است



زنکنه: تیم توافق با چین باید به عنوان جرمه نفری صد سکه به من بدن



ظریف: فقط امضای کری تضمین

پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۹۹
وطن امروز | شماره ۲۹۷۵
طنز



ماجرای توثیت زیبا کلام هیشگی برجام نمی شه

دیشب به خاطر شام سنگین، کابوس‌هایی دیدم. خواب دیدم پرچم ایالات متحده شریفه آمریکا را با چسب دوقلو زیر پاهایم چسبانده‌اند و مخصوصا ستاره‌هایش عدل افتاده بود زیر پاشنه‌هایم. هر کاری می کردم نمی توانستم پرچم را بدون اینکه جر بخورد جدا کنم، از صدای جرخ خوردگی‌اش کلی شرمندگی ایالات متحده شدم. بعد دیدم یک نعلبکی چینی را زیر پایم انداختند و من جفت پا رفتم تا آن را بشکنم ولی هر کاری کردم نشکست. از خواب پریدم و از تعبیر خواب کلمه چین را پیدا کردم، نوشته بود «اگر در خواب نعلبکی چینی ببیند اگر هر کاری کرد نتوانست آن را بشکند یعنی قراردادی تجاری بین ایران و چین بسته می‌شود. اگر داخل نعلبکی لکه چای پر رنگ ببیند دلیل بر لکه ننگ در متن قرارداد است و دچار غم و اندوه گردد (ریختن سیمان در جاده ابریشم که امکان سر خوردن محرمانه طرفین به سمت همدیگر را بدون اطلاع ایالات متحده شریفه آمریکا فراهم می‌کند). در کتاب جوامع الاسکالر، ابن پهلوی گفته است: «دیدن نعلبکی چینی دلیل بر انداختن دیوار چین به ایران در عوض گرفتن جزیره کیش است و اگر ببیند تفاله چای در آن است خاطره قرارداد ترکمان‌چای زنده می‌شود» بعد از این خواب مطمئن شدم پکن قابل اعتماد نیست و قرارداد فقط برجام خودمان!



داوود فرازی

کجا؟

ابر آمد، منتهای باران کجا؟ سیمان کجا؟ کو راکتور، کو گلابی، باغ کو؟ بستان کجا؟ داشت یک نیشان کدو آن هم برای قوم و خویش «ما رعیت‌ها کجا محصول باغستان کجا» از دلار و پوند و روبل و لیره و بین بگذریم واحد پول زلاند نو کجا؟ تومان کجا؟ گفته بودی آب خوردن هم به آن خورده گره پس گره خورده‌ست اینک آب خورستان کجا؟ کی حقوق کارمندی می‌رسد تا نصف برج برج میلیاردری کجا و کلبه سمنان کجا؟ حال تان را توی قوطی کرد اگر جنتلمنی بار دیگر می‌روی علاف و سرگردان کجا؟! بسته وپروس آخرین راه نظرسنجی، بگو توی این بالماسکه دیدی چهره خندان کجا؟ کام ما را دولت قبلی اگر چه تلخ ساخت منتهای پایان تلخ و تلخ بی‌پایان کجا؟

*مصرعی از فاضل نظری



بابر جوادی

راهکارهایی برای آمریکای ناچار آوبریز اونجا که می سوزد

تا این لحظه که این متن در حال نگارش است ۷۲ ساعت از آتش سوزی در ناو بونهام ریچارد می گذرد و ابرقدرت دنیا هنوز نتوانسته کشتی‌ای را که توی آب است، خاموش کند. دقت کنید توی آب‌ها، کنار ساحل دریا که نسیم، آب را مثل کولر باد و آب می‌باشد به سروصورت آدم و یک سیگار هم بخواهی روشن کنی باید ۲ بسته کبریت هدر بدهی، آخر هم روشن نمی‌شود و تصمیم به ترک سیگار می‌گیری! خود ناو به‌درک! اصلا آمریکا هم به‌درک! اما خودخوری عشق آمریکایی‌های وطنی که هنوز مشغول بدبوی‌براه گفتن به جمهوری اسلامی بابت آتش سوزی‌های مناطق جنگلی غرب و جنوب غرب کشور بودند که یکپاره آتش به دل و سایر نواحی‌شان افتاد هم به‌درک! ولی خداییش برای دنیا بد است. زمین پیش باقی سبازات خجالت می‌کشد که ابرقدرتش ۷۲ ساعت است از خاموش کردن آتش داخل آب عاجز است. برای همین تصمیم گرفت چند راهکار ساده به این ابرقدرت ارائه کند که در آتش سوزی‌های آتی از آن استفاده کند و زمین را پیش مریخ، نپتون و پلوتون شرمند کند.

۱- آوبریز اونجا که می سوزد

در تصاویری که از این ناو منتشر شده شاهد این هستیم که قایق‌های آب‌پاش دارند اشتباه می‌زنند و آب را به قسمت خاموش ناو می‌پاشند. به این عزیزان توصیه

سلب‌یریتی همه جا

تو در تفریط یا افراط هستی کلکسیونتی از آفات هستی جدیدا هم برای پول و شهرت حسابی گرم تبلیغات هستی

ستاره حبیبی

سنس

گاهی پورا و گاه پترس گردد یا دزد و مأمور تجسس گردد بازیگری ایجاب کند بازی را حیرت نکنی مبلغ سنس گردد!

فرشته پناهی

ضمیمه طنز راه راه کاری از بانگاه طنز انقلاب اسلامی

سردبیر: امین صالحی
دبیر سرویس شعر: زهرا فراتی
دبیر سرویس کارتون: مهدی نظری
دبیر فنی: سیدمحمد جواد طاهری

راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

کدام ترکمانچای؟

توثیت زده که قلیمان غمگین است! الحق چه شباهتی به آن با این است آن کس که نخوانده جشن برجام گرفت امروز نخوانده در عزای چین است

زهرا ارسته‌نیا



شعریکاتور

ببین ای قهرمان دیپلماسی! خیال کن خسته ای و آس و پاسی باید اسطوره باشی، خنده بسته بهمت می‌گم بگیر زست حماسی!



لطفاً بنشیند
نزدیک

فرشته پناهی